



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

داکتر نوراحمد خالدی

۰۲ فیبروری، ۲۰۲۵

شکست غرب

دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ چگونه است؟ شکست، نابسامانی و انحطاط!

با تمرکز به تاریخ چگونه می توان تغییرات جهانی در قدرت و فرهنگ را که امروز در سرتاسر گیتی اتفاق می افتد بهتر درک کنیم؟ واقعیت زمان ما آن است که غرب یک شکست استراتژیک را متحمل شده، نه به خاطر آنچه که روسیه یا چین با غرب انجام داده اند، بلکه به دلیل تغییرات داخلی که در جامعه و فرهنگ غرب در حال وقوع اند. منتها جنگ اوکراین و سیاستهای عاقبت نه اندیشانه جهان غرب در مقابله با روسیه و همچنان - برای جلوگیری از پیشرفت چین این پروسه را تسریع نموده است. مزید بر آن جهان غرب و بخصوص امریکا در حالت نابسامانی، سردرگمی و انحطاط قرار دارند.

شکست!

اولین عقیده این است که امریکا یک کشور شکست خورده است - نه تنها اوکراین- بلکه اساساً ایالات متحده و ناتو در جنگ خود علیه روسیه شکست خورده اند. این یک شکست بزرگ برای ایالات متحده و جهان غرب در واقع، این شروع پروسه پایان کنترل آنها بر جهان است. ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز می شود، اما در حقیقت به عنوان رئیس جمهور یک کشور شکست خورده باید این شکست را هضم کند. اما از سخنرانی ترامپ در مراسم تحلیف هیچ نشانه ای از هضم این واقعیت مشهود نیست. او همانند رؤسای جمهور قبلی هنوز هم در حالت انکار باقی می ماند. او مطمئن است که آمریکا در حال انحطاط نبوده، بزرگترین سال های آن در پیش روست. او می خواهد وانمود کند که کشور شکست خورده ای نیست، می تواند ضربان ساز باشد، معامله گر باشد، در حالی که در واقع، او رهبر کشوری است که شکست خورده است، در ویتنام، در افغانستان، در عراق، در لیبیا، در شرق میانه و اخیراً در اوکراین همراه با تمام اعضای ۳۲ گانه ناتوی خود. جنگ اوکراین به امریکا و متحدین غربی او بخصوص انگلستان، فرانسه، پولند و آلمان فرصت داد تا بالای روسیه "یک

شکست استراتژیک" وارد کنند، روسیه را در جهان منزوی کنند، اقتصاد آنرا تخریب نمایند، پول روبل را بی ارزش کنند، قابلیت معامله و تجارت روسیه را از دستش بگیرند، قوای مسلح آنرا درهم شکنند، در روسیه بحران سیاسی و اجتماعی ایجاد کنند، ولادیمیر پوتین را به سرنوشت مشابه صدام حسین و قذافی دچار نمایند که در نتیجه همانند اتحاد شوروی - کشور عظیم روسیه دچار سانحه شده به ده ها کشور خورد و کوچک تجزیه گردد. این بود پلان امریکا و انگلستان. اما خلاف توقع امریکا و غرب چنین نشد، به تایید پروفیسر جان میر شایمر استاد پوهنتون شیکاگو، قوای مسلح روسیه در جنوری سال ۲۰۲۵ به مراتب بیشتر - قویتر، باتربیه تر، مجهز تر و با تجربه تر - از ماه می سال ۲۰۲۲ یا آغاز جنگ اوکرایین میباشد. اقتصاد روسیه که در سال ۲۰۲۱ از نظر تولید ناخالص داخلی GDP-PPP کوچکتر از ایتالیا بود امروز بعد از چین، امریکا و هند در مقام چهارم در جهان قرار دارد. در عوض کشورهای اروپای شرقی و غربی که با تکیه بر حفظ امپراتوری انحصاری خود - بالای روسیه ده ها هزار قلم تحریمات سیاسی، اجتماعی، ورزشی، اقتصادی، تکنولوژیکی، نظامی و تجارتي وضع کردند، با از دست دادن نفت و گاز ارزان قیمت روسیه به دام امپریالیسم امریکا افتاده نه تنها صنایع خود را از دست دادند بلکه امروز زیر فشار امریکا، که اجاره دار دفاع از اروپای غربی است، مجبور اند با تقلیل مصارف خدمات سوشیال، تعلیم و تربیه و صحت عامه برای مردم خود، منابع عظیم مالی را معادل ۵ فیصد تولید ناخالص داخلی به تقویت قوای مسلح اختصاص دهند که در حقیقت خریداری هرچه بیشتر اسلحه و تجهیزات امریکایی می باشد .

خلاف توقع غرب روسیه در جهان تجرید نشد. برعکس در مقام یکی از بانیان اتحادیه بریکس، روسیه امروز همراه با سایر اعضای بریکس یک قطب نیرومند اقتصادی و سیاسی را در جهان رهبری میکند. این شکست امریکا و متحدان غربی او تنها در صحنه سیاسی و نظامی مشهود نیست بلکه در بسیاری عرصه های تکنولوژی پیشرفته معاصر نیز مشهود است. چین نه تنها خود را همسطح جهان غرب نموده بلکه از آنها سبقت جسته است. اخیرا تمام جهان غرب در صدد جلوگیری از پیشرفت شرکتهای تکنولوژی چینیایی مانند تیک تاک - موترهای برقی، هواوی، دیپسیک بیدو و غیره اند. امریکا و جهان غرب بیش از این نه صرفیت صنعتی، نه صرفیت تکنولوژیکی و نه صرفیت تولیدی و قوای بشری لازم را برای جلوگیری از گسترش نفوذ اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی چین در جهان دارند. به گفته ولادیمیر پوتین "جلوگیری از پیشرفت چین مانند جلوگیری از طلوع آفتاب است ."

دونالد ترمپ میخواهد با وضع تعرفه های گمرکی بالای اموال وارداتی صنایع امریکایی را در زمینه هایی که دیگر وجود ندارند تقویت نماید! در موجودیت کشورهای عظیم و پرنفوس با

نیروهای کار ارزان قیمت و بازارهای شگوفان چین، هند، بنگلادیش، اندونیزیا، ویتنام، مکزیکو و غیره کدام سرمایه گزار، حتی امریکایی، میخواید در امریکا فابریکه بسازد؟ حتی ایلان ماسک موتر تسلا را و اپل لپتاپها آیفون امریکایی را در چین میسازند .

نابسامانی:

این نابسامانی، سردرگمی، عدم اطمینان در مورد مکان آمریکا و غرب در جهان امروز است. مفسران غربی باید دست از خودشیفتگی بردارند و عکس العمل های آمریکا را در قبال مسایل متنوع روز، در چارچوب شکست استراتژیکی امریکا و غرب ببینند تمام امپراتوریهای جهان بلاخره سقوط کردند. امپراتوری فارسها، یونان قدیم، روم قدیم، بیزانس، خلافتهای اموی، عباسی، امپراتوریهای غزنوی، غوری، سلجوقی، مغولی، برطانوی، ناپلیون، زار روس و غیره بالاخره سقوط کردند. امپراتوری امریکا نیز حالا در حال سقوط است و دونالد ترامپ هیچ کاری کرده نخواهد توانست تا جلو این سقوط را بگیرد. بنابر آن سیاست گسترش ناتو به سمت شرق برای تهاجم مؤثر فرهنگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به روسیه و سیادت بر آن نیز شکست خورده است. کشور جورجیا بالاخره با وجود تلاشهای غربیها این واقعیت را پذیرفت، مردم رومانیه نیز در آخرین انتخابات ماه گذشته این واقعیت را پذیرفتند اما زیر فشار ناتو نتایج انتخابات دموکراتیک بدون حتی یک رای نامشروع به بهانه تبلیغات تیک تاکی به نفع حزب برنده لغو گردید درحالیکه پول این تبلیغات را حزب اصلی مخالف برای تضعیف حزب بر سر اقتدار پرداخته بود اما به اصطلاح «دزد سوم خر شانرا زد و برد!». اوکرایین در خیال پیوستن به ناتو مردم و کشور خود را نابود کرد. در این وضعیت نابسامان، رهبران وحشت می کنند و مانند بازیگران منطقی عمل نمی کنند.

اخیرا صدها ویدیوی تحلیلی از طرف محققان و تحلیلگران در کشورهای مختلف را در یوتوب می بینیم که از دیدگاههای واقع گرایانه دفاع می کنند و مردم دوست دارند معلومات خود را از این طریق کسب کنند. در این شرایط تغییر و نابسامانی انسجام در طرحهای ترامپ یا طرح ایالات متحده با طرح ناتو وجود ندارد. هیچ انسجامی وجود ندارد. آنچه واقع میگردد این است که رهبران جهان غرب به صورت فی البداهه تصمیمات آشفته، تصمیمات بدون انسجام، سازش های بد و تصمیمات نابسامان را در چارچوب شکست و عقب نشینی از سیاست گسترش تهاجمی ناتو به سمت شرق اتخاذ میکنند. انتظار داشتن از ترامپ برای داشتن یا طرح یک برنامه، برای ارائه طرح صلح معجزه آسا برای حل جنگ اوکرایین در یک روز یا صد روز یا شش ماه یا چهار سال، فقط یک توهم است. انتظار اینکه رهبران غربی بتوانند به تفکر واقع بینانه در

سیاست خارجی بر گردند بی جاست. رییس جدید ناتو در ماه جنوری ۲۰۲۵ از شکست دادن روسیه در جنگ اوکراین صحبت میکند و میگوید ولادیمیر پوتین را اجازه نخواهد داد تعیین کند کدام کشور شامل ناتو شود و یا نشود! آنها از جایی که در جهان هستند غافل شده اند. و این پیامد های واقعی برای روندهای گسترده تر آینده دارد. اینگونه تصمیم گیری ها باعث تسریع پروسه سقوط امپراتوری غرب خواهد شد. واکنش آمریکا و غرب، تمام نقشه های دیوانه کننده برای توقف درگیری و حل جنگ از طریق معامله ای عجیب مانند منجمد کردن جنگ در جبهات فعلی بدون شناسایی حاکمیت روسیه بالای ولایت ضمیمه شده- جابجا کردن نیروهای ممالک بزرگ اروپای غربی در زون دفاعی در مقابل قوای روسی در اوکراین نه زیر نام ناتو- به مثابه بخشی از توافق صلح را، باید به عنوان واکنش های نامنظم ناشی از موقعیت تحقیرآمیز آمریکا و غرب در اوکراین تلقی کرد بدون آنکه دلایل اصلی جنگ را قبول کنند. آنچه روسیه میخواهد تبدیل اوکراین به یک کشور بیطرف مانند اتریش و سویس بایک قوای مسلح کوچک است که یک منطقه حایل میان روسیه و ناتو باشد. این واقعیت را غریبها تا حال نتوانسته اند هضم کنند و به احتمال قوی شش ماه بعد چاره جز پذیرفتن آن نخواهند داشت.

انحطاط:

این موضوع به فروپاشی اخلاق دموکراتیک، اخلاق رهبری در غرب، از دست دادن اعتقاد جمعی به وضعیت دین که یکی از بحث های اصلی است، پیوند می خورد. از دست دادن باور جمعی، از دست دادن شخصیت اخلاقی، نخبگان رهبری در غرب، و رهبری الیگارشسی و نیهیلیستی آمریکایی به خصوص نخبگان آمریکایی نشانه هایی از این انحطاط اند. ایالات متحده در شکست غرب به عنوان سیاهچاله در حال انفجار ظهور کرده است. فروپاشی یا انحطاط فرهنگی غرب به این معناست که هیچ اصل راهبردی در واکنش غرب به شکست وجود ندارد. این امر به خصوص در ایالات متحده که با وجود همه تغییرات اساسی در توزیع استعدادها، ایده ها، منابع و قدرت در سراسر جهان، به افسانه خود بزرگ بینی در مورد رهبر جهان یک قطبی هنوز هم باور مند است ملاحظه میشود. بنابراین غرب یک شکست اقتصادی نظامی استراتژیک را متحمل شده است، نه مستقیم، بلکه اساسی و تاریخی. یک رهبری مؤثر غربی با این واقعیت روبرو خواهد شد. جنگ یک آزمون واقعیت است و جنگ در اوکراین نشان داده است که غرب دیگر با واقعیت روبرو نیست. اولین کاری که باید غربی ها انجام دهند وقتی در شرایط شکست هستند این است که بپذیرند دیگر قوانین بازی را آنها تعیین نمی کنند. متأسفانه این نوع واقع

گرایی توسط رهبران فعلی غرب اتفاق نخواهد افتاد، اما رهبران نو ظهور غرب در حال انطباق با دنیایی هستند که برای آنها در حال کوچک شدن است.

رفتار نامنظم رئیس جمهور ترامپ!

آمریکای دونالد ترامپ به متحدان خود حمله می کند و به اروپا حمله می کند. در حال راه اندازی جنگ در برابر دنمارک بر سرگرینلند است. کشور اسپانیا را یک کشور بریکس می نامد. مکزیکو و پانامه را تهدید میکند. خلیج مکزیکو را خلیج امریکا نامگذاری میکند. تعرفه ها را بر هر کسی که خواست دونالد ترامپ را نادیده گیرد، اعمال می کند. این سیاستها باعث ویرانی می شود، و تنها به زوال و فروپاشی سیستم رهبری آمریکا سرعت می بخشد. آمریکا، در حال بلعیدن متحدان اروپایی خود است. این آدم خوری واقعاً به نفع ایالات متحده نیست زیرا ایالات متحده بیش از آنکه به اقتصاد چین وابسته باشد به اقتصاد اروپا نیز وابسته است - صنعت، سیستم آموزشی، نیروی کار یا توان جمعیتی را ندارد که سیاست های حمایت گرایانه از صنایع داخلی را برای گسترش سهم خود در تولید صنعتی جهان به روشی که دونالد ترامپ پیش بینی می کند، انجام دهد. اروپا و دیگر متحدان غربی، مانند استرالیا، جاپان و کوریای جنوبی دست بسته مانند خدمتگاران ایکه توسط ارباب خود - که در خشم خشونت آمیز عقلش را از دست داده مورد آزار قرار گرفته اند - پاسخ می دهند. آنها در تلاشی عبث برای یافتن توضیحات منطقی برای رفتار غیرمنطقی بادار خود هستند!

پایان